



قیام مردم تبریز

سه مروری به خیزش مردمی ۲۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۶ به مناسبت سالگرد این جنبش

عده‌ای از هم‌وطنان غیرتمند تبریز منجر شد.

آمار دروغ از شهیدا

چند روز بعد از این قیام، مطبوعات و خبرگزاری‌های رسمی در آمار، از ۶ کشته و ۱۲۵ زخمی در حوادث شهر تبریز خبر دادند که مطابق شاهدان عینی، این آمارها بسیار دور از واقعیت و کمتر از آن بود که در واقع امر اتفاق افتاده بود. مخالفین تعداد شهدا را حتی تا ۳۰ نفر ذکر می‌کردند و زخمی‌های روز حادثه را، بسیار بیش از تعداد اعلام شده، قلمداد می‌کردند. تعداد بازداشتی‌ها و دستگیر شدگان هم مطابق اعلام روزنامه کیهان، ۲۶۲ نفر و طبق روزنامه اطلاعات ۴۵۰ نفر ذکر شد اما رادیولندن این تعداد را ۶۵۰ تن عنوان کرد. در واقع این آمارهای ضد و نقیض که از جانب نهادهای مختلف داخلی رژیم اعلام و ابلاغ می‌شد، از نوعی آشفتگی و ناهماهنگی میان بخش‌های مختلف دستگاه حاکمه حکایت داشت.

نتایج قیام تبریز

خیزش اسلامی ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز، به غیر از حوادث غم‌انگیز و اندوهباری که در خصوص سرکوب و کشتار مردم بی‌دفاع این شهر در بر داشت و بر قیمت شهادت، زخمی و دستگیر شدن جمع کثیری از مردم شریف و شجاع این خطه انجامید، آثار فوق‌العاده ارزنده‌ای نیز در پی داشت. شاه به قدری از وقایع تبریز عصبی و مضطرب بود که تقریباً تمامی مسئولین و صاحب‌منصبان استان آذربایجان شرقی را که به نوعی با حوادث تبریز درگیر بودند مسئول اتفاقات اخیر برشمرد و وعده داد کلیه نفراتی را که در پیشگیری و پیگیری این حوادث قصور کرده‌اند، تنبیه و مجازات کند. هر چند مردم می‌دانستند که ظاهر ماجرا قرار است صرفاً با جابه‌جایی افراد تغییر کند و رژیم در باطن بر همان روش سابق یعنی سرکوب و توهین به مردم پیش برود. ضمن اینکه اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مختلفی هم از سوی گروه‌ها و چهره‌های متعدد صادر شد که تأثیر به‌سزایی در روحیه انقلابی مردم داشت.

من به شما نوید پیروزی می‌دهم

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این بیانیه‌ها، از جانب حضرت امام صادر شد. ایشان در تبعید، پس از آگاهی از قیام دلیرانه مردم تبریز فرمودند: «زنده باشند مردمان مجاهد تبریز، که با نهضت عظیم خود، مشت محکمی به دهان یاوه‌گویان زدند، که با بوق‌های تبلیغاتی، انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن صدرصد مخالف است، انقلاب شاه و ملت می‌نامند! من به شما اهالی منطقه آذربایجان نوید می‌دهم، نوید پیروزی نهایی. شما آذربایجانی‌های غیور بودید که در صدر مشروطیت، برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی سلاطین خود، به پا خاستید و فداکاری کردید.»

در مسیر انقلاب

مطلبین و آگاهان به مسائل سیاسی، ضربه‌ای را که قیام مردم تبریز به دولت و حکومت وارد آورد، درک می‌کردند. وجهه شاهنشاه و نظام فاسد پهلوی، اکنون پس از سال‌ها قدرت‌نمایی، درهم شکسته بود و دیگر فردا ناآگاهی دیده نمی‌شد که قدرت و نفوذ جامعه روحانیت و در رأس آن، آیت‌الله خمینی و طرفداران ایشان را در معادلات سیاسی کشور به حساب نیاورده یا حتی ایشان را دست‌کم بگیرد. ناظران و تحلیلگران تبریزین و غیر وابسته هم این رویداد را نقطه عطفی در پایان دوران حکومت پهلوی قلمداد کردند و یقین داشتند که از پس این انقلاب کوچک، به‌طور قطع، انقلابی سراسری و فراگیر در شرف وقوع است؛ خیزشی که در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ منجر شد.

حق شناس شخصیت منفوری که در سرکوب قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دست داشت و به شدت مورد لعن و نفرین مردم تبریز بود، اجازه بازگشایی در مسجد را نداد و صحن قدسی مسجد را «طویل» خطاب کرد. جوانی انقلابی به نام محمد تجلا که از برخورد توهین‌آمیز حق شناس خشمگین شده بود، پاره سنگی به طرفش پرتاب کرد اما پس از این اقدام، هدف گلوله فرار گرفت و به شهادت رسید.

گسترش قیام در شهر

در پی این حادثه و با شلیک تیر هوایی و نیز حمله مأموران شهریانی به تجمع‌کنندگان، معترضان هم در دفاع از خود، با پلیس درگیر شدند. جمعیت آزرده و خشمگین، نخستین پاسگاه پلیس را در حوالی بازار مورد حمله قرار دادند و شیشه‌های آن را شکستند و خودرو و موتورسیکلت‌های مربوط به آن را به آتش کشیدند. پس از شروع درگیری مقابل مسجد میرزا یوسف، جمعیت سطح شهر که در خیابان‌های فردوسی، شهناز شمالی، کوروش کبیر، دارایی، دانشسرا و امین در محدوده بازار قرار داشتند، با نیروهای امنیتی و انتظامی درگیر شدند و قیام به تمام شهر تبریز کشیده شد. به این ترتیب شهریانی که خود را ناتوان از کنترل قیام مردم دید، دست به دامن استانداری آذربایجان شرقی شد و شخص استاندار وقت هم مستقیماً با نخست‌وزیری وقت، جمشید آموزگار تماس گرفت.

فرمان سرکوب

به این ترتیب آموزگار، محمدرضا شاه را در جریان وقایع گذاشت و تصمیمات دربار به او ابلاغ شد. در بخشی از این فرمان آمده: «در انجام امور وظایف محوله، به هیچ‌وجه سستی به کار برده نشود. ۲. دستگیرشدگان و زخمی‌ها بازجویی و شناسایی شوند. ۳. کسانی که مغازه‌ها را بسته‌اند، با نهایت‌شدت با آن‌ها عمل شود.» نکته قابل تأمل تمهیدات سرکوبگرانه آموزگار بود. در بخشی از فرمان او به استاندار آمده: «۱. استاندار آذربایجان شرقی با نهایت قدرت عمل نماید. ۲. در صورت مقاومت، سرکوب گردند.» در واقع مفاد فرامین شاه و نخست‌وزیر چیزی جز مقابله مستقیم و سرکوب مردم نبود.

وقتی روی مردم آتش گشودند

ساعت ۱۲:۲۰ ظهر همان روز، برخی نیروهای وابسته ارتش هم علیه مردم وارد عمل شدند و مأمورین نظامی و انتظامی در شرایط پریشان موجود، روی معترضین آتش گشودند. هم‌زمان هم از پایتخت وعده داده شد که ملزومات مورد نیاز سرکوب، به‌زودی و در ظرف ۱۵ دقیقه توسط هوایمی مخصوص ارتش به شهریانی تبریز تحویل خواهد شد. مردم غیرتمند تبریز که تا پیش از این وضعیت نیز از حوادث اخیر اعم از توهین به روحانیت و مرجع بزرگ شیعیان و همچنین کشتار مردم قم و وضعیت امنیتی شهر تبریز و مداخله بی‌جای شهریانی در برگزاری مراسم عزاداری، به غایت در خشم بودند، با مداخله ارتش و رفتار وحشیانه سرسپردگان پهلوی، با تمام توان در برابر سرکوبگران وابسته به رژیم ایستادگی کردند و بر دامنه مبارزه خویش افزودند. همین امر به مجروح شدن و شهادت

علمیه قم را بار دیگر به عموم مسلمانان تسلیت می‌گوییم. چهل روز از فاجعه بزرگ روحانیت شیعه و مرکز تشیع جهان می‌گذرد. فاجعه‌ای که در آن خانواده‌هایی را داغ‌دار کردند و مسلمان‌ها را عزاوار ساختند. هنوز زخم‌ها و جراحات دل خراش این حادثه التیام نیافته و مصیبت‌های وارده تخفیف پیدا نکرده است... لذا بدین مناسبت روز شنبه دهم ربیع‌الاول ۱۳۹۸ هجری را به عنوان اربعین این مصیبت بزرگ، روز عزای عمومی اعلام می‌کنیم....»

آغاز تظاهرات و سرکوب مردم

مطابق با اعلامیه مذکور و دعوت علمای برجسته تبریز، چنین مقرر شد تا مجلسی به مناسبت شهدای حادثه ۱۹ دی ماه شهر قم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزار شود. اهالی تبریز و حومه از آغاز صبح روز ۲۹ بهمن ماه، از مسیرهای مختلف به قصد حضور در مسجد میرزا یوسف، واقع در ابتدای بازار تبریز حرکت خود را آغاز نمودند ولی دیری نپایید که در جریان این راهپیمایی، درگیری با نیروهای شهریانی و پلیس تبریز آغاز شد. در حدود ساعت ۸ تا ۹ صبح، دسته‌ای از نیروهای شهریانی مستقر در میدان باغ گلستان، هنگام عبور برخی از اجتماع‌کنندگان، به دستور فرمانده میدانی خود، ستوان فرهاد، مردم را مورد ضرب و شتم قرار داده و مانع از حرکت ایشان شدند. با اعتراض باقی‌حاضران در محل، ستوان فرهاد با شلیک دو تیر هوایی، مأموران تحت امر خود را به یورش به جانب مردم و متفرق کردن ایشان با استفاده از باتوم تشویق کرد و طولی نکشید که میدان باغ گلستان، صحنه درگیری میان مأموران و معترضان گردید.

اولین شهید قیام

اما مهم‌ترین حادثه، صبح این روز، مقابل مسجد میرزا یوسف مجتهدی اتفاق می‌افتد. حدود ساعت ۹ صبح، اهالی، کسبه، کارگران، طلاب، روحانیون و توده‌های مردم در ابتدای بازار جمع شده، به قصد مسجد میرزا یوسف حرکت می‌کنند؛ ولی در برابر مسجد، با تجمع و موضع‌گیری مأموران شهریانی و نیروهای انتظامی به فرماندهی سرگرد حق شناس مواجه می‌شوند. هنگامی که مشهدی محمد، کفش‌دار مسجد، قصد باز کردن در مسجد را داشت، سرگرد

به ۱۰ سال اعمال قدرت و ایجاد جوّ اختناق و خفقان سیاسی، به لرزه درآمد. از زمان سرکوب این قیام، تا حدود ۱۴ سال پس از آن، شاه و نظام او در اوج قدرت قرار داشت. ایالات متحده روز به روز با رژیم ایران روابط نزدیک‌تری برقرار می‌کرد و پادگان‌های ایران را با انواع و اقسام سلاح‌های سبک و سنگین مجهز می‌ساخت و از این طریق، هر آنچه دولت ایران از فروش نفت عایدش می‌شد، به جیب دولت آمریکا سرازیر می‌شد. ارتش هم تحت سیطره مستشاران آمریکائی تقویت می‌شد و هزینه‌ها و بودجه متعلق به آن نسبت به سایر بخش‌های دولت، سر به فلک می‌کشید. در واقع به نظر می‌رسید شاه عاقبت پدرش را به کلی زیاد برده.

رشد ساواک و گسترش جواختناق

ساواک نیز در طول این مدت رشد قابل توجهی کرده بود. تغییراتی که پس از قیام ۱۵ خرداد، در این نهاد تازه‌تأسیس به وقوع پیوست و منجر به روی کار آمدن ارتشبد نعمت‌الله نصیری شد، از ساواک چهره‌ای به مراتب مخوف‌تر و منفتوح‌تر ساخته بود، طوری که اعتراضات و تظاهرات علنی به شیوه‌ای چشمگیر کاهش یافت. تأسیس نهادهای امنیتی و نظارتی دیگری از جمله سازمان بازرسی شاهنشاهی و رکن ۲ ارتش توسط شخص شاه نیز نشان از اعتقاد او نسبت به این شیوه از حکومت داشت. با وجود این، مطلعان و تحلیلگران عرصه سیاسی و اجتماعی ایران، حادثه بزرگی را انتظار می‌کشیدند و اطمینان داشتند که دیر یا زود، این دیگ‌آکنده از بخار خشم و انزجار، دچار انفجاری سهمگین خواهد شد. موجبات این انفجار هم انتشار همان مقاله توهین‌آمیز در ۱۷ دی ماه، تظاهرات مردم قم در ۱۹ دی ماه و به شهادت رسیدن مردم در این جریان خودجوش بود.

برگزاری چهلم قیام مردم قم

به زودی بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعددی در مخالفت و محکومیت چاپ مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات و نیز کشتار و سرکوب مردم شهر قم در ۱۹ دی ماه صادر و در سطح وسیعی از جامعه توزیع شد. در بعضی اعلامیه‌ها هم به برگزاری مراسم چهلم شهدای آن واقعه اشاره شده بود. به عنوان مثال در یکی از این اعلامیه‌ها آمده بود: «فرا رسیدن چهلمین روز حادثه خونین حوزه

حضرت امام (ره) در ابتدا طریق نصیحت به رژیم پهلوی را در پیش گرفتند اما برخورد توهین‌آمیز شاه و وابستگانش، شرایط را وارد مرحله جدیدی کرد. در عاشورای سال ۱۳۴۲، امام خمینی در عین نابوری مخالفان محتاط رژیم، با شجاعت تمام، شاه و اقدامات او را مورد نکوهش و انتقاد شدید قرار داد و متعاقباً در همان شب توسط عوامل رژیم بازداشت شد. صبحگاه همان روز - مطابق با ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ - مردم قم، تهران، شیراز، ورامین و چند شهر دیگر تظاهرات عظیمی در حمایت از امام خمینی برگزار کرده، آزادی و بازگشت فوری ایشان را به قم خواستار شدند. این اقدام فراگیر مردمی در واقع اولین و بزرگ‌ترین قیام ملی در حمایت از روحانیت محسوب می‌شد؛ قیامی که به شدت ارکان نظام سلطه پهلوی را به لرزه درآورد و خود به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت ایران مبدل شد.

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

چندی بعد، با تبعید حضرت امام در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۲، سیر تکوینی انقلاب به ظاهر معطل ماند اما در لایه‌های زیرین اجتماع، همچنان خشم فروخته‌ای از حادثه ۱۵ خرداد و رفتار رژیم با ملت، در وجود قاطبه مردم ایران باقی ماند. در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ انتشار مقاله‌ای توهین‌آمیز در ذم حضرت امام و روحانیت در روزنامه اطلاعات، همچون جرقه‌ای، صبر طولانی ملت ایران را به انتها رساند. از این رو، در ۱۹ دی ماه، تظاهراتی سراسری در قم و بسیاری از شهرهای ایران، علیه عاملان تدوین مقاله مذکور و در حمایت از امام خمینی و مقام شامخ مرجعیت برگزار شد. اما این تظاهرات نیز مجدداً به دست مزدور نظامیان وابسته به رژیم، سرکوب شد و در این میان، جمعی از معترضین و تظاهرکنندگان بی‌دفاع نیز به شهادت رسیدند.

قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶

دعوت روحانیت تبریز از مردم واقعه ۱۹ دی، شروع انقلاب اسلامی در ایران بود. هر چند رژیم گمان می‌برد با چنین ضرب‌سستی تاملت‌ها اعتراضی در میان نخواهد بود، اما دیری نپایید که دعوت روحانیت مبارز تبریز از ملت، جهت برگزاری مراسم چهلم شهدای حادثه قم، در آن شهر منجر به خلق رویدادی عظیم و قیامی سراسری گردید؛ قیامی که حکومت دست‌نشانده پهلوی را تا پایان حیات خود به عقب‌نشینی و انفعال مداوم واداشت. این انفعال هر چند با تقلاها و قدرت‌نمایی‌های کاذب همراه بود، ولی در مدت زمان کوتاهی به انحطاط و سقوط رژیم انجامید.

دعوت روحانیت تبریز از مردم

زمینه‌های شکل‌گیری قیام مردم تبریز در دوران حکومت پهلوی دوم، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقطه عطفی به شمار می‌رود، چراکه در این روز، ارکان حکومت مطلقه شاه، پس از قریب

